

بینه بودن قرآن کریم برای انسان عصر مدرن

مصطفی آذرخشی^۱ / علی اکبر حسین نژاد^۲

چکیده

در گفتمان دینی، ارائه معجزات همواره به عنوان یکی از نشانه‌های پیامبری مطرح بوده است. با ختم نبوت، این مسأله مطرح می‌شود که چگونه می‌توان برای انسانی که عصر پیامبران را درک نکرده است، الهی بودن دعوت آنان و بالخصوص آخرین پیامبر را آشکار کرد تا در پی آن، آدمیان را نسبت به تبعیت از آموزه‌های ایشان متقاعد ساخت؟

برای پاسخ به این سؤال باید این نکته مهم را در نظر داشت که آنچه هیچگاه با گذشت سالها و قرن‌ها، کهنه و مندرس نمی‌گردد و همواره جاذبه‌های نامحدودی برای انسانها به همراه دارد، "علم و معرفت" است. از مهمترین ویژگی‌های انسانی که در عصر مدرن زندگی می‌کند نیز توجه تام و تمام او به ساحات مختلف علمی است.

چنین است که خدای متعال برای تایید رسالت و حقانیت دعوت، با عنصر علم و معرفت، انسانهای تمام اعصار پس از خاتم النبیین ﷺ را در کتاب نازل شده خویش رهنمون ساخته است. قرآن کریم در ساحات مختلف علمی، بینات روشنی برای آدمیان ارائه کرده است که حاکی از این حقیقت است که وحی نازل بر رسول اکرم ﷺ برای مردمان گذشته و زمانه محدودی نیست؛ بلکه چراغ راه تمامی انسانها در همه ادوار تا قیامت است.

اشارات قرآن کریم به حقایق عالم تکوین که در شمار مکشوفات انسان در دوران مدرن است؛ نیز مطالب بنیادینی که در ساحات علوم انسانی مطرح ساخته است، دلایل کافی و روشنی برای اهل تحقیق و انصاف در دوران مدرن است که به الهی بودن این کتاب پی برده و آموزه‌های آن را راهنمای سعادت خود قرار دهند. نظر به این اغراض مهم است که هیچگاه در قرآن کریم، از چنین دلایلی، تعبیر به معجزه نشده است؛ بلکه به جای آن، کلماتی همچون آیه، بینه، نور، برهان که همگی از سنخ دانایی و آگاهی است، به کار رفته است.

واژگان کلیدی: انسان، عصر مدرن، اعجاز قرآن، بینه، انسان گرایی، علم گرایی، عقل گرایی.

* دریافت: ۱۴۰۲/۳/۸؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۲۲.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه شهید بهشتی

تیین مسأله

پیامبران برای اثبات حقانیت و صدق ادعای رسالت خود دلایل و نشانه‌های قانع‌کننده و قابل احتجاجی ارائه می‌داده‌اند که از آن تعبیر به «معجزه» می‌شود. باید توجه داشت که کلمه «معجزه» در قرآن کریم به این معنا به کار نرفته، بلکه مفهوم آن که همان ارائه دلیل و نشانه قانع‌کننده از طرف مدعی نبوت است، با استعمال واژه‌هایی نظیر «بینه» و «برهان» و... مطرح شده است (نک: البقره: ۹۲؛ آل عمران: ۱۸۴؛ الاسراء: ۵۹ و ۱۰۱)؛ اموری که در ادوار بعدی در آثار کلامی و تفسیری با تعبیر «اعجاز» مورد اشاره قرار گرفته است (نک: طوسی، التبیان، ۳۵۱/۶؛ خواجه طوسی، تجرید الاعتقاد، ۲۱۴). یکی از مسائلی که در این مقاله به عنوان مبنای بحث، مورد بررسی قرار می‌گیرد، تفاوت معنای تعبیر قرآنی «بینه» با کلمه «معجزه» و دلیل کاربرد بینه به جای معجزه است.

از سوی دیگر، دو ویژگی قرآن کریم، در این تحقیق مورد توجه ویژه قرار خواهد گرفت. ویژگی اول این است که قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی است که از سوی خداوند متعال برای بشر نازل شده است و وقتی کتابی، آخرین کتب الهی باشد، باید تا قیامت، مادامی که انسانی در دنیا زندگی می‌کند، جامع تمام نیازهای هدایتی او باشد.

چنین کتابی برای تمام انسانهایی که بعد از دوره حیات رسول اکرم ﷺ به دنیا آمده‌اند و آن حضرت را ندیده‌اند، باید دلایل و نشانه‌های کافی حقانیت داشته باشد.

پیامبر اکرم ﷺ در جامعه ای برانگیخته شد که ادبیات و سخنرانی‌های نافذ، بیشترین تاثیر را در میان مردمان عصرش داشته است. از این رو، جهتی از بینه بودن قرآن کریم، ناظر بر شگفتی‌های ادبی است که بر تمام کلمات و سخنان آن روزگار غلبه یافته است (نک: باقلانی، ۸۲) اما نکته بسیار مهم این است که برخلاف برخی از پیامبران پیشین که دعوتی محدود به قوم خویش داشته‌اند، نبوت حضرت محمد بن عبدالله ﷺ، محدود به قوم خاص یا روزگار محدودی نیست. پیامبر اکرم ﷺ خاتم الانبیاء است و کتابی که بر او نازل شده، مایه هدایت تمام انسانها در ادوار مختلف تا روز قیامت است.

ویژگی دوم قرآن کریم که در این مقاله مورد توجه قرار خواهد گرفت، این است که قرآن

خودش را به تعبیر " تبیاناً لکلّ شیء " بودن وصف کرده است (نک: النحل: ۸۹). جالب اینجاست که در همان آیه ای که از خاتمیت پیامبر اکرم ﷺ سخن به میان آمده است، از علم محیط خداوند بر تمام امور نیز سخن به میان آمده است: «كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» و این خود گواه روشنی است بر اینکه میان خاتم بودن پیامبر و کتاب آسمانی که بر ایشان نازل شده، با علم جامع الهی ارتباط محکمی برقرار است.

در مقاله حاضر، تلاش خواهد شد که این ویژگی مورد بررسی دقیق قرار گیرد و آورده‌های آن، برای انسانی که در عصر مدرن زندگی می‌کند، تبیین گردد. برای این منظور، باید دغدغه‌هایی که حجم زیادی از توجهات آدمیان را در عصر مدرن، به خودش مشغول کرده، مورد بحث و بررسی قرار گیرد و پس از آن، آنچه به عنوان مطالب بنیادین و اساسی که راهگشای برون رفت انسان مدرن از معضلات معرفتی، اخلاقی و اجتماعی و... در آیات قرآنی آمده است، تشریح گردد تا خارق العاده بودن کتابی که در چهارده قرن قبل، از سوی انسانی که معلّم بشری نداشته است، بر اهل دانش و انصاف آشکار گردد.

البته هدف این مقاله، احصاء تمام بینات قرآنی برای انسان عصر مدرن نیست؛ بلکه با توجه به مهمترین ویژگی‌هایی که انسان مدرن دارد یا اموری که به آنها توجه تام دارد، ابعاد بینه بودن قرآن مطرح خواهد شد.

مسأله اینجاست که کتابی شامل تمام آنچه انسان برای پیدا کردن راه کمال، بدان محتاج است، کتابی که آخرین کلام خداوند برای آدمیان است و برای مردم هر دوره ای، سخن تازه ای و برهانی روشن و قاطعی دارد، از چه ابعادی می‌تواند آن مهمات انسان حاضر در عصر مدرن را به بهترین و کامل‌ترین صورت تأمین نماید و برای بحران‌هایی که با آن دست به گریبان است، نسخه شفابخش ارائه نماید؟

خاتمیت و جامعیت قرآن کریم

در خصوص "آیه و بینه" بودن قرآن کریم باید به دو ویژگی اساسی قرآن کریم اشاره شود؛ ویژگی اول این که قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی است که از سوی خداوند متعال برای هدایت بشر نازل شده است. وقتی کتابی مدعی است که آخرین کتاب آسمانی است،

پس مخاطبین آن انتظار دارند مطالب این کتاب برای تمام اعصار و همه گروه‌های انسانی مفید و جامع تمام نیازهای هدایتی آنها باشد؛ نه فقط مختص مردمان عرب عصر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

ویژگی دوم این است که قرآن خودش را به "تبیاناً لکلّ شیء" بودن وصف کرده است (النحل: ۸۹). جالب اینجاست که در همان آیه‌ای که از خاتمیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سخن به میان آمده است، از علم محیط خداوند بر تمام امور نیز سخن به میان آمده است: «كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيماً» و این خود گواه روشنی است بر اینکه میان خاتمیت قرآن کریم و علم جامع الهی ارتباط محکمی وجود دارد. از این رو، دعوت خاتم الانبیاء نمی‌تواند محدود به زمانه خاصی باشد؛ بنابراین اقتضای خاتمیت این است که قرآن کریم اولاً برای تمام مردمان اعصار مختلف، جنبه‌های اعجاز داشته باشد. ثانیاً پیامها و آموزه‌هایش برای تمام انسانها تا قیامت راهگشا و هدایتگر باشد.

عدم استعمال لفظ اعجاز در قرآن کریم و کاربرد بی‌بینه به جای آن

در قرآن کریم، هیچگاه برای اشاره به امور خارق العاده‌ای که انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَام اظهار می‌کردند، از واژه "اعجاز" و مشتقات آن استفاده نشده و به جای آن، تعبیر "آیات" و "بینات" به کار رفته است (نک: آل عمران: ۱۸۳؛ النساء: ۱۵۳؛ المائده: ۱۱۰؛ الاعراف: ۷۳؛ الصف: ۶) دلیل اینکه کلمه "معجزه" در قرآن استعمال نشده را می‌توان این طور بیان نمود که قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی، برای ساحات گوناگونی همچون علم، تعقل، تفکر و معرفت، اهمیت ویژه‌ای قائل شده و در موارد متعدد، مردم را به تعقل، تفکر و اندیشه فرا خوانده و جهل و نادانی را سرزنش کرده است.

وجه تحدی قرآن کریم

عده‌ای از دانشوران علوم قرآنی، وجه تحدی قرآن کریم را در بلاغت و فصاحت فوق العاده آن می‌دانند (نک: باقلانی، ۸۲) حال آنکه به نظر می‌رسد که منحصر ساختن و حتی اولویت دادن وجه تحدی قرآن کریم به بلاغت و فصاحت صحیح نیست؛ بلکه وجه تحدی قرآن می‌بایست جهتی باشد که اختصاص به قوم خاصی نداشته باشد. علامه طباطبایی

در این باره بیان داشته است: «روش و اسلوب کلامی قرآن مختص به یک عصر یا اهل زبان عرب نیست؛ چون اگر تحدّیهای قرآن تنها در خصوص فصاحت و بلاغت و عظمت اسلوب آن بود، دیگر نباید از ادبیات و زبان عرب تجاوز می‌کرد و تنها باید عرب زبانان را به هم‌آوردی دعوت کند که اهل زبان قرآنند؛ آنهم نه کردهای عرب که زبان شکسته‌ای دارند، بلکه عربهای خالص جاهلیت و آنها که هم جاهلیت و هم اسلام را درک کرده‌اند، آن هم قبل از آنکه زبانشان با زبان دیگر اختلاط پیدا کرده و فاسد شده باشد؛ حال آنکه می‌بینیم سخنی از اعراب آن هم با این قید و شرطها به میان نیاورده و در عوض روی سخن به جن و انس کرده است؛ پس معلوم می‌شود معجزه بودنش تنها از نظر اسلوب کلام نیست». (طباطبایی، ج ۱، ص ۹۴)

حاصل سخن آنکه چنانچه تصوّر شود که اعجاز قرآن منحصرأ مربوط به جهات ادبی و بلاغی است، در آن صورت صرفاً عده محدودی، مخاطب تحدّی قرآن قرار می‌گیرند؛ حال آنکه چنین تصویری صحیح نیست؛ زیرا دعوت قرآن کریم، یک دعوت عام و مطلق است و شامل تمام مخاطبان قرآن با زبانهای مختلف و در ادوار گوناگون می‌شود. پس همانطور که اشاره شد، تحدّی قرآن و طبعاً وجوه اعجاز آن می‌بایست ناظر به اموری باشد که در شمار مشترکات آدمیان با همه اختلافاتی که از حیث قومیت و فرهنگ دارند، بشود. از این رو، وجه تحدّی و اعجاز قرآن، باید در زمینه‌ای باشد که میان تمام انسانها مشترک است و آن چیزی جز حقیقت علم و معرفت نیست.

علم و هدایتگری مهمترین شاخصه در تحدّی قرآنی

خداوند به نبود کتابی هدایت بخش‌تر از قرآن و تورات تحدّی کرده است: «قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» یعنی: «بگو اگر راست می‌گویید کتابی که از این دو کتاب آسمانی (تورات و قرآن) خلق را بهتر هدایت کند، از جانب خدا بیاورید تا من از آن پیروی کنم» (قصص: ۴۹)

چنانکه ملاحظه می‌شود، در آیه مذکور، وجه تحدّی قرآن کریم، به صورتی کاملاً صریح و روشن، در هدایتگری آن بیان شده است. از این روست که در موضعی دیگر، این کتاب،

تفصیل علم معرفی شده است: «وَلَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَا عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (الاعراف: ۵۲) علمی که در این آیه، مورد اشاره قرار گرفته که تفصیل یافته، علمی است که مایهٔ هدایت انسان به مسیری باشد که او را سعادت‌مند کرده و مشمول رحمت ابدی خداوند گردد.

در آیاتی از سوره جن نیز اشاره شده است که گروهی از جنیان، با شنیدن قرآن دچار اعجاب شده و میان خود اظهار داشته اند: «... انا سمعنا قرآنا عجبا یهدی الی الرشده» (الجن: ۱) یعنی: «ما قرآن عجیبی شنیدیم که به مسیر رشد هدایت می‌کند». مطابق خبری که قرآن کریم از گفتگوی میان جنیان آورده است، وجه اعجاب برانگیز بودن قرآن کریم، هدایتگری آن است؛ یعنی دقیقاً همان مفهومی که در وجه تحدی قرآن در آیهٔ پیشین (الاعراف: ۵۲) ذکر شده بود. از این روست که یکی از پرتکرارترین اوصافی که در قرآن کریم برای این کتاب مطرح شده، تعابیری است که ناظر بر هدایتگری آن است (نک: البقره: ۲ و ۹۷ و ۱۸۵؛ آل عمران: ۱۳۸؛ المائده: ۱۵ و ۱۶)

ویژگی‌های انسان عصر مدرن

انسان عصر مدرن را با مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی همچون انسان‌گرایی (اومانیزم)، تاکید و تکیه بر عقل (خردورزی)، اصالت دادن به علوم تجربی، گرایش به دموکراسی و آزادی بیان و گرایش به پیشرفت و رفاه می‌شناسند (نک: ملکیان، ۱۴)

به نظر می‌رسد آنچه به عنوان حاصل تمام این رویکردها می‌تواند مورد اشاره قرار بگیرد، آن است که جان مایهٔ اصلی مدرنیته، محوریت انسان، رفع تهدیدها و برآوردن لذت‌های حداکثری برای اوست. در این میان عده‌ای راهکار را در این دیده‌اند که برای قرار گرفتن آدمی در محوریت مسائل و نیل او به انواع لذات، باید عنصر دین و مذهب را حذف نمود؛ این عده، تعالیم و احکام ادیان را مانعی در رسیدن به اهداف مدرنیته تلقی می‌کنند.

در مقابل، اندیشمندانی با تبیینی متفاوت از آموزه‌های دینی، نشان داده‌اند که عناصر ارزشمندی همچون علم‌گرایی و آزادی انسان و بهره‌مندی او از لذات دنی که به خودش یا دیگران آسیبی نمی‌زند و حق او در تعیین سرنوشت خویش و... که در مدرنیته مطرح

است، نه تنها تعارضی با دین و مذهب ندارد بلکه به صورتی مبنایی‌تر در تعالیم دینی قابل تبیین است.

تبیین بینه قرآنی برای انسان عصر مدرن

بیشتر اشاره شد که چون پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آخرین فرستاده خداوند برای تمامی انسانهاست، طبیعتاً بینه رسالت او، باید امری جاری در تمام ادوار و اعصار باشد. نیز از آنجا که عقل، علم و ارزش‌های انسانی، از شمول و عمومیتی برخوردار است که برای همه زمان‌ها و تمام آحاد بشر معتبر است، در مهمترین وجوه "آیه بینه بودن قرآن کریم" بر همین عناصر تاکید می‌شود. بنابراین، مطالب مربوط به این بخش را می‌توان در دو عنوان "بینهات قرآن کریم در ساحت عقلی" و "بینهات قرآن کریم در ساحت علمی" مطرح کرد.

پیش از اشاره به این امور، تذکر این نکته ضروری است که در عصر مدرن، انسانها توجه بیشتری به علوم تجربی و امور محسوس دارند. از این رو موضوع بسیار مهمی که در تبیین وجوه بینهات قرآن کریم باید مدنظر قرار گیرد، این است که دست‌آوردهای علمی قرآن کریم در ساحت زندگی دنیایی انسان، باید مورد تأکید بیشتری قرار گیرد. باید تبیین گردد که در مسائلی که مربوط به آرامش آدمیان و حفظ حقوق آنها در حیات دنیوی است، قرآن کریم چه آموزه‌هایی دارد. همچنین اشارات قرآنی در زمینه علوم تجربی باید بیشتر مورد تأکید قرار گیرد تا بعد از ایمان مخاطبان به خارق‌العاده بودن کتابی این چنین جامع، در چهارده قرن قبل که از سوی فردی معلّم ندیده به بشریت عرضه شده، بتوان باب گفتگو و متذکر ساختن آنها را نسبت به افق‌های معرفتی دیگر باز کرد.

بینهات قرآن کریم در ساحت عقلی

در سراسر آیات قرآنی، مراجعه به عقل به عنوان محور شناخت‌های انسانی مورد تأکید قرار گرفته است. از منظر قرآن کریم، ارائه تمام آیات، برای تعقل آدمیان است (البقره: ۷۳) و وجه امتیاز انسان از حیوانات، بهره‌مندی او از نور عقلانیت بیان شده است (الفرقان: ۴۴). در ادامه به برخی از وجوه عقل‌گرایی در قرآن کریم اشاره می‌شود.

دعوت به تعقل در آموزه‌های قرآنی

یکی از مهمترین آموزه‌های قرآن کریم دعوت به تعقل است. در قرآن کریم بارها اشاره شده است که باورها باید مبتنی بر عقلانیت باشد؛ نه تقلید بی دلیل از دیگران. حتی آنان را که بدون تعقل، از عقاید به ارث رسیده از پدران و اجداد خود تبعیت می‌کنند به شدت مورد نکوهش قرار می‌دهد: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلُو كَانِ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ»، «و چون کفار را گویند: از کتابی که خدا فرستاده پیروی کنید، پاسخ می‌دهند که ما بر آئین پدران خود خواهیم بود. آیا آنها باید تابع پدرانشان باشند گر چه آن پدران در چیزی تعقل نمی‌کرده‌اند و راه هدایت نیافته‌اند» (البقره: ۱۷۰). این آیه به روشنی انسان را دعوت به تعقل نموده و باورهایی را که مبتنی بر خردورزی نباشد، بی اعتبار دانسته است.

معرفت الله و براهین عقلی توحید

تبیین رابطه انسان با خداوند، یکی از مهمترین مسائل انسانها در تمام ادوار بوده است. چنین است که در دوران مدرن نیز ملاحظه می‌شود که در اغلب دانشگاه‌های معتبر دنیا، درباره الهیات، تدریس و پژوهش می‌شود. آموزه‌های قرآنی در ساحت توحید و معرفت الله، عموماً مبتنی بر تذکراهای عقلی و دعوت به اندیشه کردن در براهین است؛ یعنی همان ویژگی برجسته انسان عصر مدرن.

قرآن کریم در نفی آتئیسم، براهین قاطعی را ارائه می‌نماید. آیات قرآن اشاره دارند که لازمه انکار خداوند، احاطه شخص منکر به تمام جهات عالم وجود است؛ در حالی که هرگز برای انسان چنین احاطه ای ایجاد نمی‌شود و موضع سلبی گرفتن بدون احاطه علمی کاری نابخردانه است. قرآن کریم این خطا را نخستین عمل غیر عقلانی کافران تلقی می‌کند: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ»: «بلکه چیزی را تکذیب کردند که احاطه علمی نسبت به آن نداشتند». (یونس: ۳۹)

برای انسانی که در عصر مدرن زندگی می‌کند و یکی از مهمترین چالشهای او ابتلاء به نهیلیسم و پوچ‌گرایی است، انسانی که خود را در جهان تنها می‌بیند و در

اثر ناپایداری لذت‌های دنیایی، دچار ترس و افسردگی می‌شود، مهمترین و محکمترین تکیه‌گاه، پناه بردن به آفریدگار خویش است؛ آنهم مبتنی بر توجه عمیق به معارف فطری و نیز در نظرگرفتن براهین مبتنی بر ادله عقلی. از این روست که قرآن یاد خداوند را مایه آرامش دلها دانسته (نک: الرعد: ۲۸) و انسان را دائماً متذکر هستی بخش جهان می‌کند (نک: البقره: ۱۵۲)

بیّنات قرآن کریم در ساحت علوم انسانی

در طلیعه نزول قرآن، از تعلیم آنچه انسان به آن آگاه نبود، سخن به میان آمده (العلق: ۵) و به تمام آدمیان اعلام می‌شود که این کتاب از سنخ علم و آگاهی است (الاعراف: ۵۲). از این رو علامه طباطبایی تصریح می‌کند که «تجلیل و تمجیدی که قرآن از علم و دانش نموده، در هیچ کتاب آسمانی دیگر یافت نمی‌شود» (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۲۳) چنین است که از دیرباز تا دوران معاصر، متن قرآن کریم، به عنوان مصدري برای پژوهش‌های مختلف علمی قرار گرفته است. علوم و معارف قرآنی بسیار متنوع‌اند؛ از خیل این دانشها می‌توان به جنبه‌های مهمی از علوم انسانی و علوم تجربی اشاره کرد.

معرفت نفس و نقش آن در علوم تربیتی و اخلاقی

قرآن کریم، وجوه مهمی از نفس انسان را مورد اشاره قرار داده و تصریح می‌کند که انسان، به الهام الهی، آشنای با خوبی‌ها و زشتی‌هاست: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا، قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا، وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (الشمس، آیات ۷ تا ۱۰) یعنی «و قسم به نفس انسان و آن که او را نیکو به حد کمال بیافرید و به او شرّ و خیرش را الهام کرد که هر کس نفس خود را از گناه و بدکاری پاک و منزّه سازد، به یقین رستگار خواهد بود و هر که آن را (به کفر و گناه) پلید گرداند، البته (در دو جهان) زیانکار خواهد گشت». سوگند یاد کردن به نفس انسان در این آیه بیانگر ارزش بسیار زیاد آن است؛ زیرا موضوعی مورد قسم واقع می‌شود که گرانبها و قیمتی باشد.

از آن وجهی از نفس انسان که او را به فجور و سیئات فرامی‌خواند، با تعبیر "نفس اماره" و از

آن وجهی که همچون محکمه قیامت عمل می‌کند و او را از ظلم و شرور باز می‌دارد، با تعبیر "نفس لؤامه" یاد شده است: «لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَامَةِ» (القیامه: ۱ و ۲) تناسبی که در کنار هم آمدن "روز قیامت" و "نفس لؤامه (وجدان)" آمده، حقیقتاً حیرت‌آور است. مبنایی‌ترین اصلی که می‌تواند انسان را در مدار اخلاق قرار دهد، بیداری وجدان اوست. همان اصلی که از سوی فیلسوفان نامداری همچون ایمانوئل کانت به عنوان تکیه‌گاهی غیرقابل انکار برای اعمال اخلاقی مطرح شده است، اینک ملاحظه می‌شود که خدای متعال قرن‌ها پیشتر، بر این حقیقت روشن (یعنی وجدان) سوگند یاد می‌کند و آن را در کنار رستخیز انسانها (قیامت)، می‌آورد. بدین سان انسان را یادآور می‌شود که نفس سرزنشگری که در درون تو هست و دائماً عملکرد تو را ارزیابی کرده و در صورت ارتکاب مظالم، تو را دچار عذاب درونی می‌کند، آیت و نشانه‌ای از حقیقت قیامت و حسابرسی به اعمال در آخرت است.

برای اهل انصاف، ارائه مسائل بنیادین در علم اخلاق که تمام آنها بر اساس حقایق آفرینش صورت گرفته باشد و نیز بیان احکام و قوانین حقوقی که دامنه‌اش آن قدر وسیع باشد که تمامی افعال بشر را در تمام زمانها شامل بشود و در عین حال هیچ تناقضی هم در آن دیده نشود، بی شک امری خارق العاده است. خصوصاً اینکه آورنده آن معارف و قوانین، نه مکتب رفته و نه درس خوانده باشد؛ مع الوصف کتاب او تمامی عالمیان، از بی سواد و دانشمند و از زن و مرد و از معاصرین زمان خود و آیندگان، تا آخر روزگاران را تحت تأثیر قرار دهد. قابل تصور نیست که چنین اشراف، اتقان و استحکامی از سوی بشر و بدون اتصال به مبدأ علم و حیات محقق شود.

بیان مبانی علم حقوق در قرآن کریم

از زمان نزول قرآن کریم، بسیاری از آیات که جنبه حقوقی داشته‌اند، از سوی فقیهان و حقوق دانان به عنوان اصول حقوق انسانی مورد توجه قرار گرفته است؛ نکته بسیار مهم و وجه امتیاز نظام حقوقی قرآن کریم با سایر نظامات حقوقی در این است که آموزه‌های حقوقی قرآن مبتنی بر طبیعت و فطرت اوست. قرآن گستره حیات انسان را محدود به

زندگی کوتاه دنیایی او نمی‌بیند و در تشریح احکام و بیان حقوق انسانها تمام جهات مادی و معنوی او را در نظر دارد.

بیان موضوعات بنیادینی همچون اصل کرامت انسان (الاسراء: ۷۰)، حق آزادی بیان (البقره: ۱۱۱ و ۲۵۶)، اصل مسئولیت افراد جامعه در برابر یکدیگر (الصفات، ۲۴ و ۲۵؛ یس: ۴۷؛ المدثر ۴۴)، اصل همزیستی مسالمت آمیز (ال بقره: ۲۰۸؛ آل عمران: ۶۴)، اصل برابری انسان‌ها و عدم تعصب نسبت به قومیت و ملیت (الحجرات: ۱۳)، اصل دفاع مشروع و عدم تجاوز (البقره: ۱۹۰؛ ال حج: ۳۹ و ۴۰؛ النساء: ۹۰) رعایت حقوق اقلیت‌های مذهبی و احسان به آنها (الممتحنه: ۸)، اصل رفتار انسانی با اسیران جنگی (الانسان: ۸)، اصل صلح طلبی (الانفال: ۶۱)، واقع بینی و رعایت عدالت و انصاف در قبال مخالفان (المائده: ۸) و آغاز روندی معقول و عملیاتی در آزادی بردگان با طرح آزادسازی آنها به عنوان حسنه و کفاره گناهان (المجادله: ۳؛ البلد: ۱۳) از نمونه‌های اصول ماندگار حقوقی در قرآن کریم است.

چنین جامعیتی در بیان مسائل حقوقی، از فردی درس ناخوانده که معلّمی نداشته و قرن‌ها پیش می‌زیسته، امری خارق العاده است. این گزاره‌های علمی، در شمار اصولی قرار دارند که در مطالعات حقوقی عصر مدرن نیز مورد توجه قرار دارد و گذر زمان نتوانسته بر اصالت آن خدشه ای وارد سازد.

بیّنات قرآن کریم در ساحت علوم تجربی

از بیّنات قرآن کریم برای انسان عصر مدرنی که توجّه تام و تمامی به علوم تجربی دارد، این است که در تمام ادوار برای صنوف مختلف علمی، اشارات صریحی به حقایق عالم تکوین داشته و علیرغم توسعه علوم در زمینه‌های گوناگون، آنچه درباره طبیعت بیان داشته است، به هیچ وجه با واقعیت جهان ناسازگار نبوده است. قابل تصوّر نیست که چنین اشراف، اتقان و استحکامی از سوی بشر و بدون اتّصال به مبدأ علم و حیات محقق شود.

درباره اعجاز قرآن کریم در زمینه علوم تجربی، کتابها و مقالات مستقلّی نوشته شده است؛

۱. برای نمونه می‌توان به آثار آقای محمد علی رضایی اصفهانی همچون کتاب "اعجازها و شگفتی‌های علمی قرآن" یا کتاب "مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم" تألیف پروفسور موریس بوکای رئیس

در اینجا اجمالاً برخی از آیات قرآن کریم که ناظر بر گزاره‌های علمی در عرصه علوم طبیعی و تجربی است، مورد اشاره قرار می‌گیرد.

اشاره به تحوّل وسایل حمل و نقل در ادوار آتی

کتابی که ساخته بشر باشد، افق نگاهش زمانه ای است که نویسنده اش در آن زندگی می‌کند و نمی‌تواند تحولات اساسی را که در تغییر زندگی انسان ایجاد می‌شود، با قاطعیت مورد اشاره قرار دهد. خاصه آنکه ارائه دهنده آن کتاب، در محیط و زمانه ای زندگی کند که عاری از هرگونه علم و دانشی باشد.

یکی از مهمترین جلوه‌های تغییر زندگی عصر مدرن با تمام قرون گذشته، تحوّل در وسایل حمل و نقل است. تمام انسانها این تغییر را در زندگی خودشان به خوبی احساس می‌کنند. قرآن کریم کلام آفریدگاری است که با علم شامل خود، این تغییر مهم را در زندگی انسان می‌دید و این چنین به آن اشاره فرموده:

«وَالْحَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ لَتَرْكَبُنَّهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (آیه ۸ سوره نحل) یعنی: «و اسب و قاطر و الاغ را برای شما آفریدیم تا بر آنها سوار شوید و زینت شما باشند. و خداوند برای شما چیزی ایجاد خواهد کرد که نمی‌دانید».

تعبیر "و یخلق ما لا تعلمون" که در سیاق بحث وسایل حمل و نقل انسان ذکر شده است، به خوبی از تحولاتی در وسایل حمل و نقل خبر می‌دهد که در زمانه پیامبر ﷺ مکشوف آدمیان نبوده است.

اشاره به موضوع توسعه کیهانی

مطابق نظرات دانشمندان نجوم، جهان از لحظه ایجاد، دائماً در حال انبساط و بزرگ شدن است؛ از این موضوع در علم نجوم، با عنوان "توسعه کیهانی" یاد می‌شود. این موضوع در قرآن کریم با صراحت مورد اشاره قرار گرفته است: «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا

کلینیک جراحی دانشگاه پاریس که بعد از مطالعه درباره اشارات علمی خارق العاده قرآن کریم مسلمان شد، اشاره نمود.

لَمُوسِعُونَ» (الذاریات: ۴۷) یعنی: «آسمانها را به دست قدرت خود ایجاد کرده ایم و ما در حال توسعه آن هستیم».

این موضوع، در شمار کشفیات علمی جدید است که به هیچ وجه در زمانه رسول اکرم ﷺ برای انسان‌ها آشکار نشده بود.

نتیجه گیری

نگرش قرآن بر مقوله اعجاز، عموماً از سنخ علم و معرفت است. از این رو به جای استعمال واژه «معجزه» و یا «خارق العاده» که ارزش معرفتی ندارند، واژه‌هایی همچون «بینات» و «آیات» را که در لسان عربی غالباً برای اشاره به آگاهی و علم و دانش به کار می‌روند، ذکر کرده است.

از سوی دیگر، قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی است که از سوی خداوند متعال برای بشر نازل شده است. وقتی کتابی، آخرین کتب الهی باشد، باید تا قیامت، مادامی که انسانی در دنیا زندگی می‌کند، جامع تمام نیازهای هدایتی او باشد.

چنین کتابی برای تمام انسانهایی که بعد از دوره حیات رسول اکرم ﷺ به دنیا آمده‌اند و آن حضرت را ندیده‌اند، باید دلایل و نشانه‌های کافی حقایق داشته باشد. بنابراین اقتضای خاتمیت این است که قرآن کریم اولاً برای تمام مردمان اعصار مختلف، جنبه‌های اعجاز داشته باشد. ثانیاً پیامها و آموزه‌هایش برای تمام انسانها تا قیامت راهگشا و هدایتگر باشد. از این رو وجه اعجاز قرآن، باید در زمینه‌ای باشد که میان تمام انسانها مشترک است و آن چیزی جز حقیقت علم و معرفت نیست.

با توجه به توسعه یافتن ساحات علوم و آگاهی انسانها در ادوار مختلف، ضرورت دارد که قرآن کریم، برای همه اصناف آدمیان با هر گرایشی و با هر زمینه‌دانشی، بینات کافی در اثبات الهی بودن خود داشته باشد. قرآن کریم در بلاغت برای ادیبان، در حکمت برای حکیمان، در حقوق برای حقوق دانان، در اشاره به جهات پوشیده‌دانشها برای دانشمندان، در موعظه‌های ماندگار و اصیل برای اخلاقیون و در تذکار و بیدارگری نفوس برای الهیون، آیت و نشانه حقایق خویش است.

انسان عصر مدرن، هر اندازه با استفاده از عقل و دانش روز در علوم گوناگون پیشرفت کند و هر باوری در مورد انسان و جایگاه او و رفتارهایش داشته باشد، با کتابی مواجه است که قرن‌ها پیش، به اصول بسیار مهم و قابل توجهی از آن مسائل اشاره می‌کند. اگر انسان عصر مدرن، عقل گراست، آموزه‌های قرآن، اساسی‌ترین دستورات عملی‌ها در مورد استفاده از عقل و عقل‌گرایی، همچون دعوت به علم و تفکر، دعوت به ارائه برهان، به کارگیری عقل در شناخت آثار و افعال خداوند، به کارگیری عقل در شناخت جهان پیرامون و نیز معرفت نفس ارائه کرده است.

نکته مهم این است که با توجه به ویژگی‌هایی که برای انسان مدرن شمرده شد، در تبیین بینات قرآنی، بیش و پیش از آنکه بر تأثیر پیروی از قرآن در سعادت اخروی تأکید شود، باید بر تأثیر عمیق و ماندگار آموزه‌های قرآنی در زندگی دنیایی انسان، توجه شود. بیان مبانی مهمی از علوم انسانی همچون علم حقوق، علم اخلاق، علم تاریخ، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی و علوم تربیتی و نیز اشارات دقیق به حقایق از علوم تجربی که در زمانه پیامبر ﷺ مکشوف انسانها نبود، در آیات قرآن قابل ملاحظه است.

بعد از اثبات اینکه خاستگاه این علوم نمی‌تواند انسانی در چهارده قرن قبل باشد که هرگز معلمی هم نداشته، می‌توان انسان معاصر را به الهی بودن این کتاب دلالت کرد و به او یادآور شد که چنانچه به آموزه‌های قرآنی در مورد هر یک از این ساحات علمی روی آورد، با درک هدف متعالی خلقت و تحوّل در حیات و سلوک معنوی خود، می‌تواند راه برون‌رفت از نگرانی‌های دنیای جدید خود را باز یابد.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸هـ.ق
- ابن کثیر، ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسير القرآن العظيم*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹هـ.ق
- اصفهانى، میرزا مهدی، *معارف القرآن*، قم، مؤسسه معارف اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۱۴۳۸هـ.ق
- باقلانی، محمد بن طیب، *إعجاز القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱هـ.ق
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، *البرهان في تفسير القرآن*، قم، موسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامیه، ۱۴۱۵هـ.ق
- سیوری {فاضل مقداد}، *مقداد بن عبدالله، النافع يوم الحشر في شرح «الباب الحادى عشر»*، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی، ۱۳۶۵ش
- کلینی، الکافی، محمد بن یعقوب، تهران، دار الکتب الإسلامی، ۱۴۰۷ق
- طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الامم والملوک*، بیروت، بی تا
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان في تفسير القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲هـ.ش
- طباطبایی، محمد حسین، *المیزان في تفسير القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰هـ.ق
- طباطبایی، محمد حسین، *قرآن در اسلام*، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۸هـ.ش
- طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرين*، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷هـ.ش
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان في تفسير القرآن*، بیروت، دار إحياء التراث العربی
- طوسی {خواجه نصیر الدین}، *محمد بن محمد بن حسن، تجرید الاعتقاد*، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۷ق
- مجلسی، *بحار الأنوار*، محمدباقر، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق
- ملکیان، مصطفی، مقاله «انسان مدرن و اندیشه پیشرفت»، *مجله آیین*، شماره یازده و دوازده، اسفند ۱۳۸۶.